مجلهٔ فکاهی

# ملانصرالدین

سال ششم، شماره چهارم



فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین
www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و اینديزاين، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.



































# دو کلوم حرف چیز

به قلم شلغم آقا، جناب مستطاب سردبیر

برای من همیشه سئوال بود که چرا نیروهای غربی، خصوصا آمریکایی در مناطق مختلفی مثل خاورمیانه مستقر می‌شوند و می‌جنگند و کلی آدم می‌کشند و بعد وقتی از آن‌ها می‌پرسم که چرا؟ می‌گویند برای برقراری حقوق بشر و دموکراسی!

اوه! چقدر خوب! واقعا آن‌ها چه آدم‌های خوبی هستند که می‌کشند تا آن آدم کشته شده را به دموکراسی و حقوق بشر هدایت کنند. اولش فهمیدن این موضوع برای من خیلی سخت بود، تا این که به سخنان یکی از فیلسوفان قرن نونزدهم رسیدم.

او به ظاهر فقط یک فرماندهٔ جنگی بود و در سال ۱۸۶۹ در نبرد اوکلاهاما جنگید و در آن جا با کلی آدم بد جنگید و بعد سعی کرد آن آدم‌های بد را به آدم خوب تبدیل کند. او کیست؟ او را نمی‌شناسید؟ آهان! او کسی نیست جز ژنرال فیلیپ شریدان که جملهٔ معروفی را به آدم‌های خوب زنده آموخت که چطور آدم‌های بد زنده را به آدم‌های خوب مرده تبدیل کنند. او گفت: «یک سرخ‌پوست خوب، یک سرخ‌پوست مرده است.»

چقدر راه‌حل خوبی است راه حل ژنرال شریدان که بعدها هم به مهمترین سیاست اعزام نیرو تبدیل شد. برای این که آدم‌های بد زنده را در مناطق مختلف، به آدم‌های خوب تبدیل کرد، باید آن‌ها را کشت، چون یک مرده، آدم خوبی است.

کوکلوس کلان‌ها، همین روش را در پیش گرفتند. با ایجاد صلیب‌های بزرگ آتشین، سیاه‌پوستان بد را آتش می‌زدند و وقتی سیاه‌پوستان بد آتش می‌گرفتند و می‌مردند، آن وقت، به آدم‌های خوبی تبدیل می‌شدند.

وقتی از ارتش آمریکا می‌پرسیم شما چرا در خاورمیانه مستقر شدید؟ می‌گویند چون



می‌خواهیم دموکراسی و حقوق بشر را حاکم کنیم که کار خوبی است. اما عده‌ای آدم بد اجازه نمی‌دهند و نیروهای ارتش آمریکا، آدم‌های بد را فقط به منظور این که آدم خوبی بشوند، قتل عام می‌کنند و بعد ناگهان، همهٔ آن آدم‌های بد به آدم‌های خوبی تبدیل می‌شوند که به دموکراسی و حقوق بشر پایبند هستند.

ارتش اسرائیل هم همین کار را در غزه می‌کند. چرا؟

چون مردم غزه حاضر نیستند که کارهای خوبی مثل پذیرفتن اشغال کشورشان به دست اسرائیل را قبول کنند. خیلی تروریست هستند و به حقوق بشر و دموکراسی اسرائیل پایبند نیستند. بنیامین نتانیاهو، از ژنرال فیلیپ شریدان آموخته است که یک فلسطینی خوب، یک فلسطینی مرده است.

پس، او آن‌ها را می‌کشد تا فلسطینی‌ها به آدم‌های خوبی تبدیل شوند. او تاکنون نزدیک

به سی هزار نفر از مردم غزه را که آدم‌های زندهٔ بدی بودند، به آدم‌های مردهٔ خوبی تبدیل کرده است.

متاسفانه، هیچ کس بنیامین نتانیاهو و اهدافش را درک نمی‌کند. او فقط می‌خواهد آدم‌ها همه خوب باشند، اما به شکل مرده!





### شکایت آرای باطله، ضد نفر اول

آرای باطله، به سبب آن چه خود شائبهٔ تقلب در انتخابات می‌نامید، ضد نامزد پیروز که با رتبهٔ نخست پا به مجلس نهاد، شکایت کرد.
به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، آرای باطله، با فاصلهٔ بسیار ناچیزی، پس از نفر پیروز، حلئز رتبهٔ دوم شد و در هر حال، راهی سطل آشغال شد.
«آرای باطله» معتقد است که شبانه، روی بعضی از برگه‌های باطله که جای نوشتن داشت و به خوبی خط خطی نشده بود، نام نفر پیروز را نوشته‌اند.
شایان گفتن است که عده‌ای از رای‌دهندگانِ تازه باطله نویس، به سبب سابقهٔ ضعیف در انجام بهینهٔ این کار، فعل خط خطی نمودن برگهٔ رای را به خوبی انجام نمی‌دهند و همین امر، فاصلهٔ کافی را برای نوشتن نام «عزیزان» مهیا می‌کنند.
در پایان تاکید می‌شود، وختی این کاره نیستی، بگیر بکپ توو خونه..!

### لطفا زمان دقیق کارت قرمز را اطلاع دهید

باشگاه سپاهان با ارسال نامه‌ای به کمیتهٔ داوران، از این کمیته خواست که پیش از هر بازی، زمان دقیق صدور کارت قرمز را به این باشگاه اطلاع دهند.
به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در نامهٔ باشگاه سپاهان آمده است:
«با سلام و تقدیم احترامات:
نظر به این که داوران آن کمیتهٔ لاجرم محترم، در بازی‌های سپاهان عادت کرده‌اند ما را از عنایات خود در حوزهٔ صدور کارت قرمز همواره مستفیض فرمایند، لذا مقتضی است که پیش از هر بازی، این باشگاه را از زمان دقیق صدور این کارت مهلک مطلع فرمایید، تا تمهیدات لازم برای مقابله با آن اندیشیده شود. به حکم دندمان نرم، قبلا از همکاری آن کمیتهٔ لاجرم محترم کمال سپاسگزاری را داریم.»

### برای اجرای خرابکاری بزرگمون، بیست خرابکاری خنثی کردیم.

در پی سخنان وزیر ارتباطات که بیست خراب‌کاری را در جریان انتخابات خنثی کرده‌اند، پرسشی در این باره در شبکه‌های اجتماعی پخش شده که چرا خرابکاری آخر به انجام رسید؟
به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، در پاسخ به این پرسش، یکی از کارشناسان خبره که در کارشناسی حرفه‌ای شده است، تاکید کرد: «والله! اصن جلوی اون خرابکاری‌ها گرفته شد، تا این یکی اجرا بشه...»
کارشناس دیگری در این باره به خبرنگار ما گفت: «خب می‌دونی چیه؟ این یکی خعلی دوز خرابکاریش بالا بود، بگو خب! عمرا از دست کسی بر می‌اومد که جلوش را بگیره.»

### آمریکا: بایدن برات می‌رقصه!

کنگرهٔ آمریکا از ایران خواست که کل ذخائر آلمینیوم شصت درصد خود را رقیق و درصدش را کم کند، اما نگفته در عوض چه کار خواهد کرد یا چه چیزی خواهد داد.
به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، کنگرهٔ آمریکا، با وجود مطرح کردن چنین درخواستی، نگفته که در عوض چه پاداشی خواهد داد، یا چه مجازاتی خواهد کرد. یکی از کارشناسان در این باره به خبرنگار ما گفت:
«نچ بابا! این جوری‌ها هم نیس که هیچی به هیچی! عوض این کار، رئیس رؤسای آمریکا واستون می‌رقصن. حتی خود بایدن هم براتون می‌رقصه، فقط البته در حد «والس»... یعنی با این زنیکه معاونش، یواش یواش می‌رقصه. دیگه انتظار بندری و بابا کرم رو از بایدن نداشته باشین که خداییش ستمه!»

حضور حماسی!
انتخابات باشکوه..!
ده بیا..!



# گفتگو با دکتر الاغ خرنژاد



دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نرفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می‌کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می‌گیرد. انسانی که بازیچهٔ افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می‌خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می‌فهمد.

– سلام به استاد ارزشمند همهٔ حوزه‌ها و ادوار...

• فعلا که توو طویله‌ام... صاحب طویله هم رو این حساب که تو برام یونجه می‌آری، سهمیهٔ یونجهٔ منو قطع کرده و فقط کاه خشک می‌ده.

– عه! چرا استاد؟

• می‌گه دارن ازم مالیات می‌گیرن...

– مگه مالیاتش چقدره؟

• می‌گه اون قدر هست که ضرر کنم.

– آخه استاد، پشت همین طویله، طویلهٔ گوسفند هاس...

• اسم اون قرمساق‌ها را نیار..!

– چرا استاد؟

• واسه خاطر این که صاحب طویله می‌گه، وختی مالیات برای گوسفند می‌دم، اقلا بعدا که گوشتشون رو می‌رفوشم، صد برابر مالیاتشون رو در می‌آرن، اما تو چی؟ دم سفید، موی سیاه، واه و واه و واه!

– حالا اون‌ها چرا قرمساقن؟

• بس که نفهمن! به خدا اسم ما خرها بد در رفته... اونی که واقعا خره، گوسفنده!

– مگه چی کار می‌کنن؟

• این بع‌بع‌ها را نمی‌شنوی؟ بع‌بع به زبون این‌ها یعنی به‌به! عمدا هم صداشون رو بالا می‌برن که ما بفهمیم دارن یونجه می‌خورن، دلمون بسوزه.

– استاد..! این بی‌چاره‌ها بعدا هزینهٔ این یونجه‌ها را با جونشون می‌دن.

• تو می‌تونی حالیشون کنی؟ جلوی چشمشون «همطویله‌ای‌هاشون» رو می‌برن تا سر ببرن... بعد از مراسم یک دقیقه سکوت، خیال می‌کنن که این آخریش بود.

– مراسم یه دقیقه سکوت دارن؟

• نه‌خیر! مراسم یه دقیقه بهت..!

– توی بهته چشم من... درد ناباوریه... منو با این جملهٔ کوتاه، یاد ترانهٔ ستار انداختی...

• اون هم گوسفنده؟

– نه بابا آدمه..!

• دیگه بدتر..! آدمیزاد از خود گوسفند، گوسفندتره..! اصلا یه جورایی همزادپنداری دارن با هم..!

– استاد این یکی را ترا خدا نفرمایین! حالا فرمودین که خرها از آدم‌ها فهمیده‌ترن، باشه قبول... نشون به اون نشون که من آدمیزاد دارم از شما سئوال می‌کنم... اما گوسفند نه! این دیگه خیلی ستمه..!

• ستمه؟ همین مالیات که این‌ها علم کردن... چند ساله فقط از کارمند و کارگر می‌گیرن، اما هر چی طلافروشیه، مراکز مذهبیه و حتی مؤسساتی با نام فعالیت خیریه و دینی دارین که معاف از مالیاتن، اما کار اصلیشون چیه؟

– صادرات و واردات..!

• می‌شه به من یه گوسفند نشون بدی که یک قوچ همچی بلایی سرش آورده باشه؟

– زکی..! واقعا که..! حالا دیگه از گوسفند هم گوسفندتر شدیم!

• حرف حق تلخه..! می‌تونم دردت رو احساس کنم.

– خب مراکز دینی با درآمد بالا را کردن توو پاچمون، اما طلافروش‌ها و دیگر مؤسسات انتفاعی که همه زیر نظر سیستم مالیاتی قرار دارن.

• نه خیر! این فقط و فقط مردم هستن که زیر نظر سیستم مالیاتی قرار دارن. می‌دونی چرا..؟

– یه آدم گیرپاژ نمی‌تونه بهتون بگه چرا...

• خب پس... وقتی تو داری کار می‌کنی و سود در می‌آری، بخشی از این سود، باید به مالیات اختصاص پیدا کنه. یعنی دولت در درصدی از سودت با تو شریک می‌شه. یعنی هم درآمدزایی می‌کنه، چون امکانات درآمدزایی بهت داده، یعنی مثل قدیما خراج می‌گیره و هم، با جذب بخشی از پول، پول در چرخش رو کم و تورم را کنترل می‌کنه. حالا وقتی به بهانهٔ مالیات، فروشنده پول بیشتری از مشتری مطالبه می‌کنه، یعنی افزایش قیمت مستقیم و تورم... یعنی یکی از اهداف گرفتن مالیات خنثی می‌شه. دود می‌شه می‌ره رو هوا..!

– پس تکلیف خراج یا همون مالیات چی می شه ؟

• عملا خراجی در کار نیست. چون تورم، ارزش اون پول را کاهش داده و در نهایت، این خود مردم هستن که در حال پرداخت خراج یا مالیات غیر مستقیم هستن که هر بار بیشتر می‌شه. یعنی به بهانهٔ گرفتن مالیات، روند تورم هی بالاتر می‌ره.

– این دیگه چه کوفتیه!؟

• یه کوفت طنطنانی، تا نچشی ندانی! این جماعت، تازه فهمیدن مالیات چه چیز خوبیه...

– یا ابالفرز..!

• آهان! پس فهمیدی!

– عاره! یعنی هر بار به بهانهٔ جذب پول در گردش و کاهش تورم، نرخ مالیات را بالا می‌برن و بعدش فروشنده‌ها هم همون کار را می‌کنن و این یعنی افزایش افسارگسیختهٔ تورم..!

• به شکل کاملا نامحسوس! هر وخت کم می‌آرن، این جوری باج می‌گیرن.

– راست می‌گی! پولی که قرار نیست از مشارکت در کسب به دست بیاد و در نهایت، این مردم هستن که می‌پردازن، اسمش فقط باجه!

• بعله عزیزکم! یعنی دولت جناب‌عالی، داره به کسبه می‌گه بدوش تا من بخورم!

– پس واسه همینه که جناب استاد دکتر الاغ خرنژاد چون نه شیر داره، نه پستون، گاوش بردن هندستون، نباید یونجه بخوره...

• ای جونم! چه مثال قشنگی... این یعنی من بد بخت فاقد ارزش افزوده‌ام ... و این یعنی تاریخ علم اقتصاد!

– و گوسفند با شیر و گوشتش، این ارزش افزوده را تامین می‌کنه تا در عوض بتونه علف بخوره! کی گفته این جماعت اقتصاد را نمی‌فهمن؟

• بحث سیاسی نکن، وگرنه سهمیهٔ کاه من بدبخت هم قطع می‌شه. دیگه زیادی داری حرف می‌زنی. بزن به چاک..!

– باشه! خدافز همگی! شما و خوانندگان عزیز!

• برو! برو!







# گپ و گفت

## عبود و جاسم

- موگوم جاسم! ای...

• ای جاسم و کوفت! ای جاسم و درد بی‌درمون، ای جاسم و قانقاریا، ای جاسم و سرطان بدخیم غدد لنفاوی..! باز چه کوفتی توو موبایلت دیدی؟

- ای آخریش همونی نبود که خدا بیامرز پدرت گرفت؟ موگوم جاسم مواظب باش اینقذه فلافل نون خشک نخور! استعدادشو داری ها..!

• بابای من سکته کرد، مرد!

- راست می‌گی؟ پ گفتن که همین سرطان کوفتیه که گفتی، همین اسم سخته رو گرفته..!

• نه خیر! دکتره اشتباه فهمیده بود، آزمایشانِ یکی دیگه رو داده بود بابام..!

- خو بعدش چی شد؟

• خو قرمساق نمی‌دونی بعدش چی شد؟ داشتی لف و لف توو مراسمش می‌خوردی...

- ها یادوم اومد... ننه‌ام گفت از ترسش گیرپاژ کرد، سکته کرد، مرد!

• بابامو و ترس؟ ننهٔ تو گُ...

- ببین جاسم! حواستو جمع کن، به ننهٔ من چیزی بگی خون می‌شه... ها..!

• مرضت چی بود، اون اولش پرسیدی؟

- ها! چطو راضی به بحث شدی؟

• بحث رفت توو جاده خاکی، گفتم برش گردونم.

- موگوم جاسم..!

• آی بدم می‌آد این جو می‌گه: «موگوم جاسم..!»

- عجب گرفتاری شدیما، آخه چطوری بوگوم نه؟ این جا نوشته «انتخابات با شکوه تمام برگزار شد.» شکوه یعنی چی؟

• ها..؟ شکوه؟

- شکوه که می‌شه عظمت؟

• نه بابا..! عظمتش کجا بود؟ فهمیدم: «با شِکوهٔ تمام برگزار شد.» یعنی با شکایت تمام..!

- شکایت تمام، واسهٔ این‌ها می‌شه فوش و خوار و مادر که..!

• خو پس این جوری درست دراومد...

- ها راست می‌گی... شُکوه که نمی‌شه... موگوم...

• می‌شه اینقذه نگی موگوم؟

- خو پ چی بوگوم؟

• بگو مثلا خدمتتون عرض بکنوم...

- تو عرضت کجا بود؟ تو که همش طولی... همی جو مث خط کش، زدی توو طول، رفتی بالا..!

• حالا بنال ببینم، هر چی می‌گم، یه جوابی توو آستینشه...

- موگوم جاسم! واسه چی انتخابات با شِکوهٔ تموم برگزار شد؟

• خو خود تو، رفتی انتخابات؟

- من کجا تا حالا رفتم که انتخابات برم... کلا یک بار شرکت کردم، اون هم به یه بابایی بود، اسمش بود قاسم شانه‌زنی؟ شاله خری؟ شان‌بندری...

• به یارو رای دادی، اسمش بلد نیستی؟



- نمی‌دونوم برام نوشتن...

• حالا چی شد هم آوردی رفتی رای دادی؟ صلاحیتش بالا بود؟

- تعیین صلاحیت که کار ما نیست. یه عده‌ای اون بالا نشستن خودشون می‌گن کی صلاحیت داره، کی نداره... ما عن کی هستیم؟

• همی جور واسه رضای خدا رفتی رای دادی؟

- رضای خدا چند تومنه؟ همین جاموسانو می‌بینی، اگه به من شیر ندن، آب هم نمی‌دم بخورن...

• خو تف توو ذاتت، پ چی شد..؟

- هیچی بابا... یه لنگه کفش بهم دادن، گفتن برو رای بده، یه لنگه دیگه‌اش بعد از انتخابات... من هم که کفشام مال بابام بود...

• می‌شناسم کفشتو، کل محل می‌شناسن... پ کو اون کفش نوه..؟

- هیچی بابا! بعد انتخابات رفتم، گفتن برو اون پشت توو کفشا بگرد، لنگه‌اش رو پیدا کن... هر چی گشتم، لنگه‌اش نبود که هیچی... سایزش نبود که هیچی، کفش مردونه هم پیدا نکردم. معلوم نیست کدوم بی‌پدری، لنگهٔ کفشمو ورداشته برده...

• خو مد شده، لنگه به لنگه می‌پوشن..!

- این دفعه از طرف همون بابا اومدن که لباس زیر می‌دیم..!

• خخخخخ فکرش رو بکن، به جای زیر پیرهنی بهت شرت و کرست بدن!

- خو بدن، بد نیست که! می‌برم بازار به صدیقه دختر ننه ممد که توو دکون شرت کرست فروشی کار می‌کنه، می‌فروشم...

• ای دل غافل! راست می‌گی..! پاشو عبود بریم رای بدیم...

- کجایی نه؟ تموم شد رفت... حالا هم بری با چوب می‌زننت... می‌دونی کلا چقذه شرکت کردن؟

• پ بگیریم بخوابیم..!

- ها..! هوای زمستونی، صحنهٔ شط و جاموس... بگیریم بخوابیم..!






کارتون های مُلانصرالدین




WHO IS THE NEXT PRESIDENT?

DUMB OR DUMBER

60th Presidential Election

sohaili cartoon©2024



# نامه‌های جنجالی



درگذشتهٔ سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعیِ شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضعِ اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و عِلت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران، محصولات بی‌ربط و ضعیفی می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد.

در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر دونالد ترامپ بخواهد برای بایدن همتای فعلی‌اش نامه‌ای بنویسید، چه خواهد نوشت؟

جو جون علیک سلام..!

واسه چی جواب سلام دادم، چون به خودم گفتم شاید دوست داشته باشی به من سلامی عرض کنی.

امیدوارم در صحت و سلامت کامل جسمی... عقلی رو بی‌خیال... برکنار بشی و من بشم رئیس‌جمهوری و تو منو از تلویزیون خانهٔ سالمندان ببینی و حالش رو ببری!

البته امیدوارم که منو با مسئولان قبلی ده، بیست سال پیش اشتب نگیری، گرچه من به هیچ کدومشون شباهتی ندارم، اما ظاهرا به من گفتن که تو شباهت مباهت حالیت نمی‌شه، گاهی مردها رو با زن‌ها اشتباه می‌گیری.

راستی، اون چه کاری بود که سر نخست وزیر ایتالیا را ماچ کردی؟ اگه سر این زنیکه رو ماچ می‌کنی، با این معاون بدبختت چی کار می‌کنی، خخخخخخ!

البته کاملا هریس زن محترمیه و ندید می‌گیره. شنیدم اون اول کاری‌ها مدتی در خانهٔ سالمندان کار می‌کرده. پس هر بلایی بوده، اون جا سرش آوردن و حالا دیگه فهمیده با کهنسال جماعت می‌باس چی کار کنه.

غرض از این که تو مزاحمم شدی و من برات نامه نوشتم، اینه که حاجی! چرا استعفا نمی‌دی؟ به خدا زشته! خواستی رکورد بزنی و بشی پیری‌ترین رئیس‌جمهوری آمریکا که شدی، حالا چرا می‌خوای یه رکورد دیگه بزنی و این کاملا هریس رو با عنوان نخستین رئیس‌جمهوری آمریکا معرفی کنی.

نگو «خودم» که بدم می‌آد!

اگه یه روزی در انتخابات، زبونت لال، پیروز بشی، بعدش یه روزی، موقع گیج‌بازی‌هات، یعنی همونی که خیال می‌کنی سخنرانیه، یه دیوونه بازی اساسی در می‌آری و شر می‌شه و برکنارت می‌کنن، یا اصن ریق رحمت را می‌نوشی و به دیار باقی می‌شتابی... خخخخخخ

رئیس‌جمهوری بعدی کیه؟

معلومه! کاملا هریس که دلش لک زده واسه این که مهر درشتِ نخستین رئیس‌جمهوری مؤنث تاریخ آمریکا را بزنن رو کپلش! احتمالا هم تا ده‌ها سال، این عنوان انحصاری مال خودشه. چون آمریکایی‌ها عمرا زیر بار رئیس‌جمهوری مؤنث برن. خیال کردی این جا دانمارکه؟

بخش اعظم زن‌هایی که پاشونو گذاشتن قارهٔ جدید، یا برده بودن یا فاحشه! بقیه هم در ارتباط با مرد، نوعی بردهٔ محترم بودن. تا سالیان سال، بعد از جنگ داخلی که تووش سیاه‌پوست‌ها سلاخی شدن، به این خاطر به سیاه‌پوست‌ها حق رای نمی‌دادن که مبادا مجبور بشن به زن‌ها هم حق رای بدن.

می‌دونی کی حق رای رو به زن‌ها دادن؟ با اصلاحیهٔ نونزدهم قانون اساسی در ۱۹۲۰... برای سیاه‌پوستان، حق رای واقعی، چهل سال بعد..!

می‌فهمی چی می‌گم؟

حالا برای این مردم می‌خوای از رئیس‌جمهوری زن صحبت کنی؟

رئیس‌جمهوری سیاه‌پوست را هم خودت بهتر از من می‌دونی، واسه چی بود. اقلا توی شلغم رو کنارش کاشتن که یک سفیدپوست اصیل جیگر بودی.

حالا برعکس شده... یعنی توی شلغم رئیس‌جمهوری و کاملا هریس کمی تا قسمتی سیاه‌پوست معاونت... خخخخ

اما جنس اصلی رئیس‌جمهوری در آمریکا یکی مث منه... خخخخ... من! منِ کله گنده!»

گردن کلفت، روی سفید، چشم سفید، زبون دراز، موی طلا، واه و واه و واه..!

حالا مملکت قراره بیفته توو دست یک زن سیاه‌پوست..؟ جان من؟ عجقم! فک کردی این جماعت عاشق چشم و ابروی منن؟ نه خیر..! من لولوی سر گردنه، قراره این وضع رو جمع کنم. جنس این جماعتی که قراره اجازه بدن من و تو رای بیاریم، هنوز ریشه‌هاش توو قرن هیجده است.

ببین!

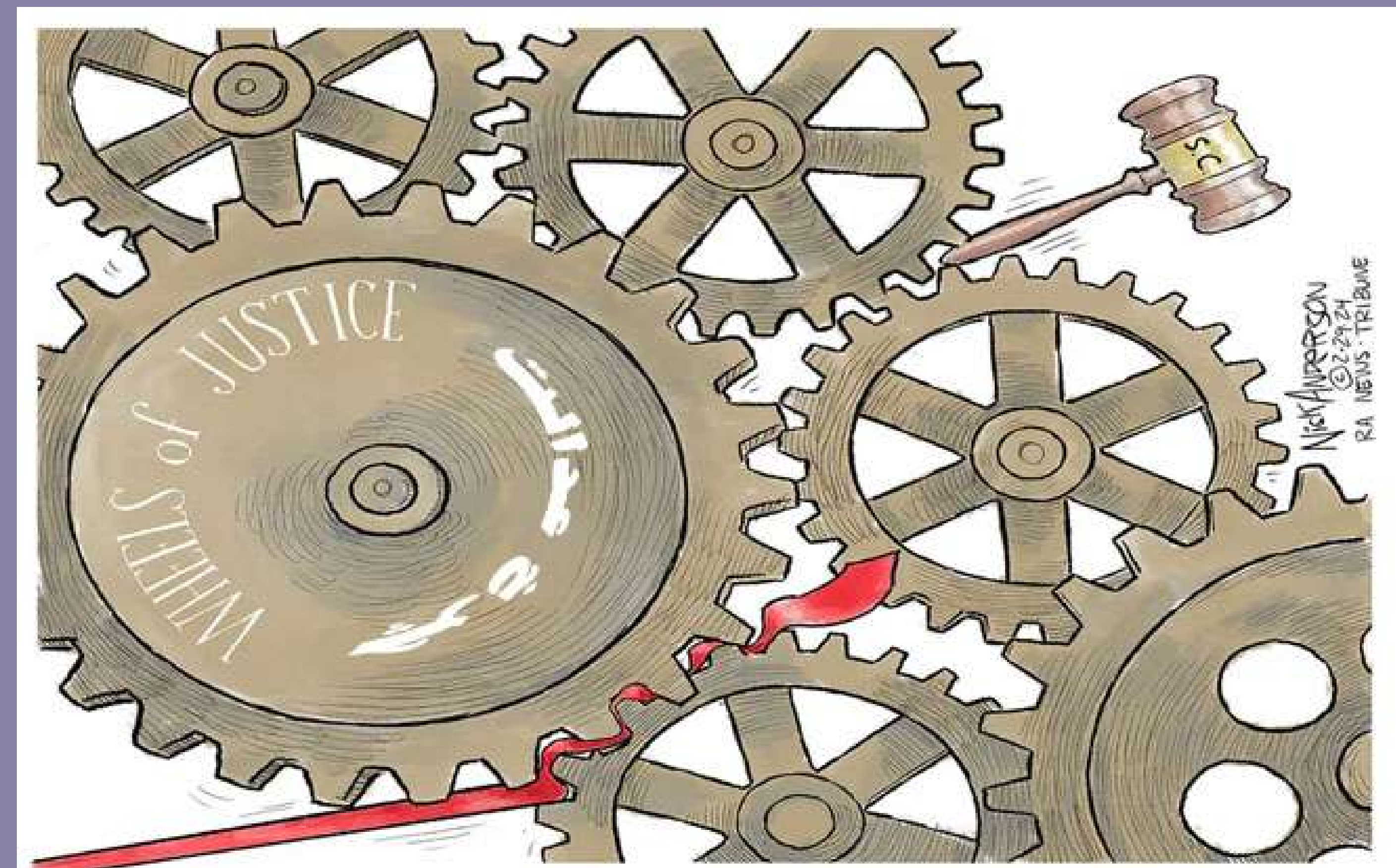
تا تو باشی، من امیدوارم که دوباره برگردم و رو تخت خودم توو اون خونهٔ چش سفید بخوابم. همون تختی که تو و زنت از من گرفتی. از من تنها..!

زودی خالیش کن!

رئیس‌جمهوری بعدی مملکت

دونالد ترامپ- احترام بذار!





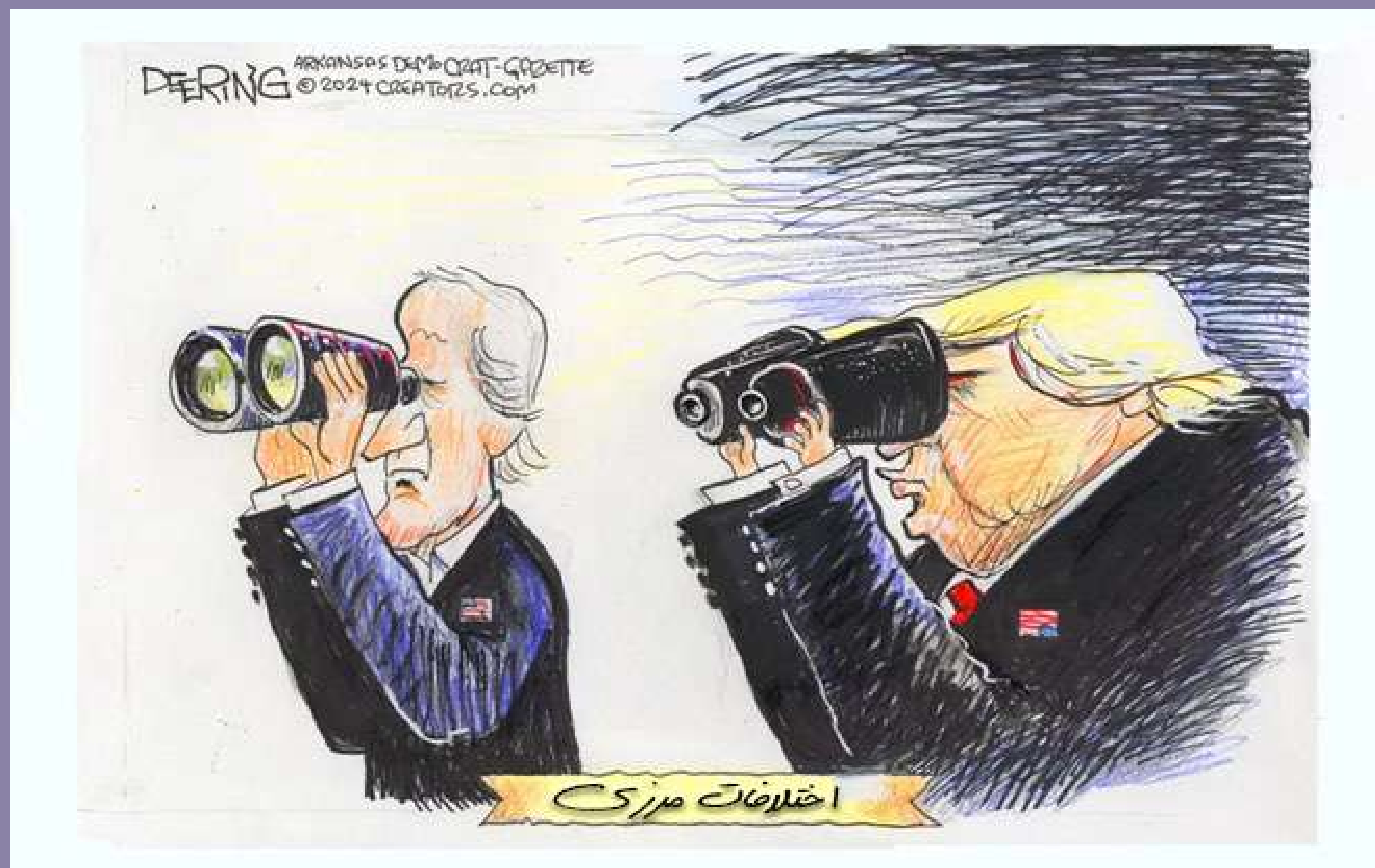

کارتون های خارجی







کارتون های خارجی





# اخبار خارجه

## خرید سهام کل موشک‌های ضد هوایی آمریکا و اروپا

اسرائیل سهام هر چی شرکت تولید موشک‌های ضد هوایی را در سراسر اروپا و آمریکا خرید.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، یکی از مسئولان مسئول اسرائیلی با بیان این خبر تاکید کرد: «دیگه کارمون این شده که یه نون خودمون بخوریم، یه نون هم بدیم سیستم ضد موشک بخوره.»

او در ادامهٔ سخنانش گفت: «یعنی رسما داریم به گ* می‌ریم! هر کدوم از این موشک‌ها را می‌بینی، شصت هزار چوغ آمریکایی قیمتشه. بعد پدرسوخته‌ها، واسه ما پهپاد دوزاری می‌رفستن، خب! می‌باس با موشک شصت هزار دلاری بزنیمش. هر چی داریم می‌گیم لامصب‌ها، این‌ها هدفشون زدن جایی نیست، هدفشون اینه که از این موشک‌ها بزنیم تا ششمون حال بیاد!»

خبرنگار ما پرسید: «محله شما کجاست؟»

یارو مسئول اسرائیلیه گفت: «دروازه غار تل اویو؟»

خبرنگار ما باز پرسید: « و قبلش..!»

مسئوله پاسخ داد: «دروازه غار کشورهای مختلف..! چی طو مگه؟»

خبرنگار ما گفت: «هیچی..! جَلَّ الخالق..!»

## نیکی هیلی: «داداش ما نیستم!»

نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، برای رقابت با دونالد ترامپ، رسما کنار رفت تا ترامپ با اون شیکمش رد شود.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، یکی از کارنشناسان خبر در این باره توضیح داد: «عده‌ای شایعه کردن که ماجرای نیکی هیلی از همون اولش واسه خاطر شتیل بوده... تازه‌شم می‌گن که صداش در اومده که نامرد ترامپ، به استورمی ویلیامز، همون پورنوگرافه، واسه خاطر این که خاک بر سریش را قایم کنه، ۱۳۰ هزار دلار شتیل داده، اما به من بدبخت که کلی رای‌ها را پشت سر خودم کشیدم و واسش آوردم، فقط ۳۰ هزار دلار داده، بعدش هم هر هر می‌خنده و می‌گه جرات داری برو بگو که از همون اولش بازی بوده.»

## دور نزنیم چی کار کنیم؟

در پی افشای ارسال سلاح برای اسرائیل، با دور زدن کنگره، سخنگوی دولت آمریکا اعلام کرد: «دور نزنیم چی کار کنیم؟»

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این سخنگو در این باره تاکید کرد: «تا حالا هر درخواستی برای اسرائیل از کنگره خواستیم، اقلا ده برابر شده و برامون اومده... مگه ما روی گنج نشستیم؟»

او درباره علت دور زدن کنگره گفت: «واسه خاطر همین! ما دو، سه تا محموله آماده کردیم تا بفرستیم اسرائیل... کافیه کنگره بفهمه و ارباب‌های اسرائیل لابی کنن، باید کل زرادخانهٔ آمریکا را بار کنیم بفرستیم اون جا. دور می‌زنیم تا همین دو، سه تا محموله را بفرستیم. از قدیم گفتن: خواب آسوده می‌خوای کنار شتر نخواب! ما هم تصمیم آروم بخوابیم بگیریم، بیشتر دنبال سیاست‌هایی می‌ریم که کنگره ازش مطلع نباشه.»

## وزیر دفاع آمریکا: ما در سوریه نمک‌گیر شده‌ایم

وزیر دفاع آمریکا در پاسخ به این پرسش خبرنگاران که شما چرا از سوریه خارج نمی‌شوید، گفت: «واسه خاطر این که نمک‌گیر شدیم.»

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، او در توضیح سخنش افزود: «ببین اجداد ما وختی به همین آمریکای فعلی اومدن، سرخ‌پوست‌ها دیدن که اون‌ها دارن از گشنگی می‌میرن، براشون گوشت بوقلمون و نون و این جور چیزها آوردن. اجداد ما «نمک‌گیر» شدن، در جواب محبتشون، هم یه عید شکرگذاری برگزار کردن و از خدا تشکر کردن که یه مشت آدم ساده‌لوح رو سر راهشون قرار داده و هم بعدش، زدن کل اون ۱۵ میلیون آدمیزاد رو که اون جا زندگی می‌کردن کشتن. ما کلا نمک‌گیر بشیم و طرفمون هم ساده‌لوح باشه، می‌مونیم. اخلاقمون اینه!»

مصلحة نتنياهو في استمرار الحرب على غزة

خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

MollaNnasroddin Satire News Agency

واقعیت خنده دار است..!

http://mollanasroddin-magazine.ir

http://msn-agency.ir





## خوشگل الحکایات

**اینقذه از رای ملت، هی گرفتن فاصله**
**تا شده رتبۀ اول، خود رای باطله**

اولش قشر مرفه، خود به به، هر چی چه چه، شد حرام
بعدش هم هر کی با حاله، نیست زباله، یا فعاله رفت توو دام
بعدش هم دست نوکیسه رفت توو کیسه،
کو تواضع، دماغ‌هاشون پر فیسه، سراشون پر از دسیسه

**اینقذه از رای ملت، هی گرفتن فاصله**
**تا شده رتبۀ اول، خود رای باطله**

جیب ملت شده خالی، نیست ماهی توی بشقاب شمالی
توی کاشون نیست قالی، همه بی‌کار و فقیرن اون حوالی
آقایون زده توو فاز بی‌خیالی، یا توو کار اختلاس یا *ایه مالی
مبادا بشون بگی رو به زوالی، هی می‌باس بشون بگی خعلی با حالی..!

**اینقذه از رای ملت، هی گرفتن فاصله**
**تا شده رتبۀ اول، خود رای باطله**

دزدی و نقض قوانین، پخش افکار مجانین شد حلال
زندگی شاد و آرام و بدون دغدغه گشته محال
همه در راه زوال، همه غمگین و زبون و بی‌خیال
غم و غصه شده کار، گریه و سوگ و انابه شده منوال کمال

**اینقذه از رای ملت، هی گرفتن فاصله**
**تا شده رتبۀ اول، خود رای باطله**

اشعر الشعرای یخته دل
حیدر سهیلی اصفهانی (صخره)

# MollaNasroddin Satire Magazine 64

